

Finding the Root Causes of the Babaian Uprising in Anatolia (637 A.H.)¹

Hasan Mohammadi^{*}

Dawud Isfahaniyan^{**}

(Received on: 2021-05-11; Accepted on: 2021-10-04)

Abstract

After converting to Islam in the Transoxiana, the Turks retained much of their previous religious beliefs. The victory of the Seljuks over the Romans in the battle of Malazgerd (463 AH / 1071 AD) caused the Turks and Islam to find their way to Anatolia. There were two types of Turks living in Anatolia: the civilized and urban Turks of Central Asia settled in the urban centers of Anatolia and the nomadic Turks settled in the villages and summer areas. The Seljuk policy in settling the Turks led to clashes between the nomads and the settlers. The nomads were dissatisfied with the government due to being deprived of sources of wealth; therefore, they revolted against the Seljuks. The Babaian uprising is a clear example of these uprisings, which, despite its failure, weakened the Anatolian Seljuk government. Using the descriptive-analytical method, this research aims to investigate the factors that formed the Babaian uprising. Thus, the author seeks to answer the following two questions: What factors caused the Babaian uprising? What was the contribution of each factor to the uprising? In response, two hypotheses have been proposed: a) Economic, political and religious factors played a role in the Babaian uprising. B) Although this uprising had a religious form, it seems that the main motive of the insurgent was to achieve economic goals.

Keywords: Anatolia, Roman Seljuks, Babaian, Baba Elias, Ghiyathuddin Keykhosrow II.

1. This article is taken from: Hasan Mohammadi, "Investigating the Political and Social Situation of Alawite Bektashi Spiritual Paths in Anatolia", 2014, PhD Thesis, Supervisor: Dawud Isfahaniyan, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran (Corresponding Author), h.mohammadi@iaurmia.ac.ir.

** Professor, Department of History, Tabriz University, Tabriz, Iran, davoudesfahanian@gmail.com.

ریشه‌یابی علل وقوع قیام بابایان در آناتولی (۶۳۷ ه.ق.)^۱

حسن محمدی*

داود اصفهانیان**

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲]

چکیده

ترکان بعد از اسلام آوردن در ماوراءالنهر بخش چشمگیری از عقاید دین قبلی‌شان را حفظ کردند. پیروزی سلجوقیان بر رومیان در نبرد ملازگرد (۴۶۳ ه.ق.) باعث راه‌یافتن ترکان و اسلام به آناتولی شد. سکونت ترکان در آناتولی دو گونه بود: ترکان متمدن و شهرنشین آسیای مرکزی در مراکز شهری آناتولی و ترکان بیابانگرد نیز در روستاها و مناطق بیلاقی ساکن شدند. سیاست سلجوقیان در اسکان ترکان باعث به وجود آمدن درگیری‌هایی بین کوچ‌نشین‌ها و یکجانشین‌ها می‌شد. کوچ‌نشین‌ها به دلیل محروم‌ماندن از منابع ثروت، از دولت ناراضی شدند و به قیام علیه سلجوقیان دست زدند. قیام بابایان نمونه بارز این قیام‌ها است که هرچند به شکست انجامید ولی باعث تضعیف دولت سلجوقیان آناتولی شد. این پژوهش در صدد است به روش توصیفی-تحلیلی عوامل شکل‌گیری قیام بابایان را بررسی کند. لذا در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش زیر هستیم: چه عواملی باعث وقوع قیام بابایان شد؟ سهم هر کدام از عوامل در بروز قیام چقدر بود؟ در پاسخ به این پرسش‌ها دو فرضیه مطرح شده است: الف. در قیام بابایان عوامل اقتصادی و سیاسی و دینی نقش داشت؛ ب. هرچند این قیام شکل دینی داشت ولی به نظر می‌رسد انگیزه اصلی قیام‌کنندگان، رسیدن به اهداف اقتصادی بود.

کلیدواژه‌ها: آناتولی، سلجوقیان روم، بابایان، بابا الیاس، غیاث‌الدین کیخسرو دوم.

۱. برگرفته از: حسن محمدی، بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی طریقت‌های علوی‌بکناشی در آناتولی، رساله دکتری، استاد راهنما: داود اصفهانیان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، ۱۳۹۳.

* استادیار گروه معارف، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)
h.mohammadi@iaurmia.ac.ir

** استاد گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران davoudefahanian@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

سرزمین آناتولی از دیرباز گذرگاه فرهنگ‌ها و ادیان مختلفی بوده است. راه یافتن اسلام به این سرزمین از طریق ترکان آغوز نیز باعث ورود مکاتب مختلفی، از جمله مکاتب صوفیانه، به این سرزمین و اختلاط آن با ادیان و فرهنگ‌های موجود در آناتولی شد. اسلامی که از ایران وارد آناتولی شد اسلام صوفیانه‌ای بود که اعتقادات دین کهن ترکان، یعنی شمنیستی، نیز در آن راه یافته بود. دین اسلام در آناتولی هم به واسطه مسامحه سیاسی و مذهبی سلجوقیان در معرض اختلاط فرهنگ یونانی و برخی آموزه‌های دین مسیحیت قرار گرفت.

هجوم مغول به بلاد اسلامی باعث سرازیر شدن قبایل مختلف ترک به سرزمین آناتولی شد، به طوری که دولت مرکزی در اسکان این قبایل دچار مشکل گردید. نحوه استقرار قبایل در سرزمین آناتولی از لحاظ جغرافیایی و مذهبی، در درون خود ظرفیتی برای وقوع قیام در ادوار بعدی داشت. ترکان کوچ‌نشین که در ماوراءالنهر از طریق درویشان صوفی با اسلام غالی آشنا شده بودند در آناتولی هم در روستاها و مناطق مرزی و بیلاقی ساکن شدند. در این بین مهاجرت علما و شیوخ صوفی به آناتولی و فعالیتشان، هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی، باعث به وجود آمدن طریقت‌های مختلف در آناتولی شد. از بین این طریقت‌ها طریقت علوی بکتاشی بیشتر در مناطق روستایی فعالیت می‌کرد و طرفدارانش را بیشتر ترکان کوچ‌نشین تشکیل می‌دادند. تقابل بین ترکان یکجانشین و کوچ‌نشین از لحاظ سیاسی، اقتصادی، و مذهبی و طرفداری دولت مرکزی از یک گروه باعث وقوع قیام‌های متعدد در آناتولی شد که رهبری این قیام‌ها را باباهای علوی بکتاشی بر عهده داشتند. اولین قیام در این زمینه قیام باباییان بود که هرچند ابتدا موفقیت‌هایی به دست آورد ولی فرجامش به شکست انجامید و بسیاری از پیروانش و رهبر قیام کشته شدند. بازماندگان قیام در آینده با رهبری جریان‌های فکری مخالف سلاجقه آناتولی باعث فروپاشی این دولت و روی کار آمدن دولت عثمانی شدند.

قیام بابایی، عنوان جنبشی دینی اجتماعی بود که در نیمه نخست سده هفتم هجری هم‌زمان با یورش مغولان، در آناتولی و قلمرو سلاجقه روم ایجاد شد. قیام باباییان در منطقه آناتولی و به رهبری بابا الیاس خراسانی در سال ۶۳۸ ه.ق. علیه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو دوم سلجوقی رخ داد. بابا الیاس با ادعای پیامبری، یا با ایفای نقش ناجی الاهی تبلیغات گسترده‌ای را برای مبارزه با غیاث‌الدین کیخسرو دوم شروع کرد. آن‌طور که پیدا است، او از بی‌نظمی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مملکتش با تمامی جزئیاتش آگاهی داشت و از آنها به سود خود بهره جست. بر اساس نوشته ابن‌بی‌بی، بابا الیاس در تبلیغاتش می‌گفت غنائم و ثروت‌هایی که به دست خواهد آمد در بین کسانی که به قیام ملحق شوند، تقسیم خواهد کرد و کسانی را که به قیام نمی‌پیوندند بدون هیچ ترحمی خواهد کشت و اصرار داشت که این پیام به گوش همه برسد (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۵۰۰).

الوان چلبی، نواده بابا الیاس، در کنار جدش که فرمانده معنوی قیام بود بابا اسحاق را فرمانده عملی قیام معرفی می‌کند (Celebi, 1995: 26). قیام در مناطق جنوب شرقی و مرکزی آناتولی به سرعت گسترش یافت. بابایی‌ها چندین بار قوای سلجوقی را شکست دادند ولی سلجوقیان در نهایت با کمک سربازان مزدور فرانک توانستند در نبرد مالیا شکست سختی به قیام‌کنندگان تحمیل کنند (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۵۰۲). هرچند قیام باباییان شکست خورد و اکثر قیام‌کنندگان سرکوب و قتل‌عام شدند ولی این قیام از طرفی باعث تضعیف سلجوقیان شد و از طرف دیگر زمینه مساعد را برای حرکت‌های دینی اجتماعی در آینده فراهم کرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان از ابدالان روم و بکتاشیان نام برد.

تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر است: علل و عوامل اصلی قیام باباییان چه بود؟ سهم هر یک از عوامل موجود در وقوع قیام چقدر بود؟ آیا این قیام در اصل قیامی دینی بود یا فقط ظاهری دینی داشت؟ فرضیه‌ای که در جواب ابتدایی به پرسش‌های فوق مطرح شده این است که: به نظر می‌رسد در وقوع قیام باباییان عوامل مختلفی مانند عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی نقش داشت ولی عامل اقتصادی نقش اصلی را داشت و عوامل دیگر نیز نقش مکمل و تسریع‌کننده در قیام داشتند. در تحقیق حاضر، عوامل بروز قیام، متغیر مستقل و قیام باباییان متغیر

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آناتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۵۱

وابسته در نظر گرفته شده است. روش پژوهش توصیفی و تحلیلی، و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

پیشینه پژوهش

هرچند تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته، ولی برخی محققان اشاره مختصری به موضوع داشته‌اند. احمد یاشار اوجاق (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «از عصیان باباییان تا قزلباشگری» به زمینه‌های ظهور و رشد علویان در آناتولی پرداخته است. هدف این مقاله به اذعان نویسنده ترسیم نوعی طرح کلی تاریخی در جهت کمک به فهم آن است. یاشار اوجاق قیام باباییان را نقطه آغاز علوی‌گری در آناتولی می‌داند. فهیمه مخبر دزفولی (۱۳۸۹) در کتاب *پیدایش طریقت علوی بکتاشی در آناتولی* مهاجرت ترکان به آناتولی را آغاز علوی‌گری در آناتولی می‌داند و اشاره مختصری به قیام باباییان داشته است. با توجه به اینکه این قیام زمینه جریان‌های مذهبی و اجتماعی صوفیانه بعدی در آناتولی را ایجاد کرده، شناخت ریشه‌ای این قیام، هم کلید شناخت جریان‌های بعدی خواهد بود و هم الگویی برای ریشه‌یابی قیام‌های مذهبی دیگر.

۱. بررسی اوضاع آناتولی به عنوان عوامل زمینه‌ساز قیام

قیام‌ها محصول زمینه تاریخی و اوضاع زمانه‌ای هستند که در آن واقع می‌شوند. لذا برای درک بهتر عواملی که باعث شکل‌گیری قیام باباییان شده است، شناخت اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دینی زمان قیام (قرن هفتم) ضروری است. ترک‌نشین شدن آناتولی، چه در اثر سیاست اسکان سلجوقیان و چه در اثر مهاجرت گروه‌های ترک به غرب به منظور یافتن سرزمین مناسب برای سکونت و به‌خصوص یافتن مکانی مناسب برای بیلاق و قشلاق در قرون قبل از وقوع قیام باباییان تحقق یافت. در مهر و موم‌های پس از جنگ ملازگرد (۴۶۳ ه.ق.) شاهد افزایش قدرت ترکان در آناتولی و شکست سهمگین مانوئل، امپراتور بیزانس، از قلیچ ارسلان دوم هستیم. تحقیقات درباره آناتولی، از شروع مهاجرت ترکان به آناتولی از قرن هفتم هجری در اثر فرار از حملات مغولان

سخن به میان می‌آوردند. فاروق سومر، محقق ترک، مهاجم مغولان را این‌گونه بیان می‌کند:

آناتولی در عرض هشت تا ده سال پس از نبرد ملازگرد به طور کلی فتح شد. در حالی که این فتح تحت فرماندهی و نقشه منظمی صورت نگرفته بود. متعاقب این فتح همه آناتولی با گروه‌های آغوز پر شد. این گروه‌ها دائماً از طرف هم‌قبیله‌های خود تغذیه و حمایت می‌شدند و با ورود گروه‌های تازه‌وارد روزبه‌روز بر تعداد مهاجران افزوده می‌شد. از اواسط نیمه اول قرن نهم انبوهی از قبایل ترکمن، از ترکستان، خراسان و آذربایجان پشت سر هم وارد آناتولی شدند. این قبایل از گردباد مغول که در سال ۶۱۶ هجری شروع شده بود، گریخته بودند. در نتیجه بخش وسیعی از آناتولی در اثر مهاجرت‌های بزرگی که از قرن هفتم شروع شده و تا قرن دهم هجری ادامه داشت از هر لحاظ منطقه‌ای آغوزی (ترکمن) به حساب می‌آمد (Sumer, 1967: 133).

ویژگی مهمی که این قبایل ترکمن داشتند این بود که دارای آموزه‌های شیعی باطنی^۱ بودند و با آغوش باز از تبلیغات صوفیانه استقبال می‌کردند. قبایل آغوزی که در خراسان و ماوراءالنهر زندگی می‌کردند، از لحاظ فرهنگی و دینی نیز ساختاری هترودکس (Heterodox) داشتند، یعنی باوری برخلاف باور همگانی. همراه با مهاجرت قبایل ترک، درویشان و شیوخ منتسب به طریقت‌های باطنی صوفی نیز به آناتولی مهاجرت کردند. آنها با مریدانشان در منطقه‌ای ساکن شدند و خانقاه و تکیه‌ای را در محل سکونتشان بنا کردند و از طریق خلفایشان افکارشان را توسعه می‌دادند (Koprulu, 1922: 290).

۱.۱. بررسی ساختار اقتصادی دولت سلاجقه روم

اقتصاد آناتولی در زمان حکومت سلاجقه متکی به کشاورزی، صنعت و تجارت بود (Akdag, 1974: 32). از بین این سه فعالیت، کشاورزی به دلیل اینکه هم منبع اصلی سازمان‌دهی نظامی و هم منبع اصلی اقتصاد دولت سلاجقه بود، مادر تولید دولت به حساب می‌آمد. تولید کشاورزی شامل زراعت، دامداری و باغداری بود. نکته مهم راجع

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آنتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۵۳

به موضوع محل بحث ما این است که هر یک از این سه فعالیت زراعی را سه طبقه جدا از هم انجام می‌دادند. تداخل در انجام دادن این فعالیت‌های زراعی در طول زمان باعث بروز اختلاف و درگیری در بین طبقات شد. ترکان مسلمانی که یکجانشین شده و در روستاها ساکن شده بودند و مسیحیان که بومی به حساب می‌آمدند به زراعت مشغول بودند. ترکمن‌های کوچ‌نشین یا نیمه‌کوچ‌نشین و رجال دولتی که صاحب زمین اقطاعی بودند و اعیان دامداری می‌کردند. شهرنشین‌ها و اهالی قصبات هم باغداری می‌کردند (Turan, 1971: 87; Cahen, 1970: 122).

۱. ۱. ۱. نظام اقطاع‌داری سلجوقیان

سلجوقیان که پیش از این به هنگام ورودشان به خراسان اختلاف طبقاتی بسیار محسوسی میان صاحبان اراضی و مردم عادی دیده بودند، پس از ورود به آنتولی هم همین روش را در قلمرو بیزانس، بین طبقه اشراف زمین‌دار و مردم عادی، مشاهده کردند (Turan, 1993: 21-22). لذا برای رهایی از بحران‌های اجتماعی، نظام ارضی میری (اراضی دولتی) و اقطاع نظامی را اجرا کردند که با آداب و رسوم خودشان نیز هماهنگی داشت. اراضی فتح‌شده (میری) به بیگ‌های ترکمن داده می‌شد و این بیگ‌ها با قوای نظامی‌شان در روستاهایی که عایدات و محصولاتش به خودشان می‌رسید، ساکن بودند و هنگام فراخوانده شدن از طرف سلطان برای انجام وظیفه اعزام می‌شدند. ترکمانانی که زندگی کوچ‌نشین را رها نکرده بودند و با اتکا به سنت قبایلی دامداری می‌کردند، عموماً در روستاها جمع شده بودند و فعالیت‌های کشاورزی انجام می‌دادند. به این ترتیب ترکمانان روستایی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی، منبع قوای حکومت بودند. ترکمن‌ها، اعم از چادرنشین و کوچ‌نشین، رعیت به حساب می‌آمدند و دولت حاصلات اراضی میری را در قبال وظایف نظامی‌شان به آنها می‌داد (Özkirimli, 1998: 62). در نتیجه یک یا چند روستا به منزله رعیت صاحب اقطاع بود. ترکمن‌های کوچ‌نشین با اتکا به سنت‌های عشیره‌ای خود، به شکل نیمه‌مختار تحت امر بیگ‌های خود بودند (Turan, 1993: 21-22).

قبایل روستایی یکجانشین و کوچ‌نشین که از نظر فعالیت‌های تولیدی به دو بخش تقسیم می‌شدند، از نظر جغرافیایی سکونت نیز در دو منطقه جداگانه زندگی می‌کردند. در سرحدات غربی و مناطق جنوبی و جنوب شرقی آناتولی اکثریت با ترکمانان کوچ‌نشین بود و در آناتولی مرکزی و اطراف سیواس — آماسیه نیز برتری با ترکمانان یکجانشین بود (Akdag, 1974: 35). نظام اقطاع که قوای نظامی حکومت به آن متکی بود، محرک قدرت استبدادی مرکزی بود. این سازمان‌دهی متکی به مرکز حکومت، که با تقسیم محصولات محقق می‌شد، باعث به وجود آمدن و گسترش طبقه‌ای از حکام شد که صاحب زمین نبودند ولی از عواید و درآمد زمین بهره‌مند می‌شدند. بنابراین، علت اساسی رقابت بین رجال دولتی را باید در این مسئله جست‌وجو کرد. در نتیجه چنین سازمان‌دهی اداری‌ای تفاوت اجتماعی و طبقاتی نیز به وجود آمد.

ولایات دولت سلجوقیان آناتولی از نظر مدیریت به سه قسمت تقسیم می‌شد:

۱. ولایاتی که سوباشی‌ها اداره می‌کردند و در حقیقت تحت امر بیگلربیگی عضو دیوان بودند. بیگلربیگی صاحب اقطاع بود.
۲. ولایاتی که تحت اداره شاهزاده‌ها بود.
۳. ولایاتی که اوج (سرحد) نامیده می‌شدند، اوج‌بیگی‌ها (امیرنشین سرحد) نیز مختار بودند ... امرا و بیگ‌های اوج فقط وقتی سلطان به سفر جنگی می‌رفت تحت امر بیگلربیگی خود در جنگ‌ها شرکت می‌کردند (Özkirimli, 1998: 63).

این تقسیم‌بندی اداری در درون خود تناقض و تضاد بزرگی داشت. رقابت بین اعضای دیوان، مأموران کاخ سلطنتی و به طور خلاصه اطرافیان نزدیک سلطان که عموماً بزرگ‌شدگان غلام‌خانه بودند و از لحاظ اصل و نسب، خارجی به حساب می‌آمدند با بیگ‌ها، شاهزاده‌ها و امرا برای به دست آوردن قدرت اقتصادی خود را نشان می‌داد. داشتن اقطاع به منزله داشتن قدرت نظامی بود. دوام موجودیت دولت نیز در به‌کارگیری صحیح نظام اقطاع بود و تناقض اصلی نیز از همین جا نشئت می‌گرفت. در زمان‌هایی که دولت هویت فاتحانه و جنگجویانه‌اش را حفظ می‌کرد، تمامی مصارفی که برای خدمت‌گزاران نظامی و کشوری هزینه می‌شد، عموماً از طریق مالیاتی تأمین می‌شد که

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آنتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۵۵

از تولیدات زراعی گرفته می‌شد و به دولت تعلق داشت. با این کار محصولات به دست طبقه‌ای می‌افتاد که تولیدکننده نبود ولی مدیریت را در دست داشت (Köprülü, 1922: 100-101).

سلطان علاءالدین کی‌قباد، خوارزمیانی را که به آنتولی پناهنده شده بودند به استخدام دولت درآورد و مناطق ارزنجان، آماسیه، لارنده و نیکده را به عنوان اقطاع به بیگ‌ها و امرای خوارزمی داد (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۱۹۱-۱۹۲). این مناطق علاوه بر اینکه از اقطاعات پُردرآمد و سودآور بودند، بر سر راه تجارتهای هم قرار داشتند. در نتیجه، خوارزمیان به یک قدرت مؤثر سیاسی سلجوقیان آنتولی تبدیل شدند. آنها علیه ایوبیان جنگیدند و تبدیل به یک قدرت مؤثر حامی سلطان شدند. قدرتشان به اندازه‌ای بود که سلطان تحت تأثیر آنها، برخلاف رسم و سنت، پسر دومش، عزالدین قلیچ ارسلان، را به ولی‌عهدی خود برگزید (مشکور، ۱۳۵۰: ۹۹).

در نتیجه نظام اقطاعات نظامی، سلطان قدرت مطلق نداشت، بلکه قدرت در بین اعضای دیوان و رجال دولتی مرتبط با دیوان تقسیم شده بود. بعد از اینکه علاءالدین کی‌قباد خوارزمیان را به مرکز حکومت انتقال داد، رجال دولتی به دو قسمت تقسیم شده بودند. این تقسیم‌بندی بعد از مرگ سلطان کی‌قباد به شکل بارزی خود را نشان داد. رجالی که از عزالدین طرفداری می‌کردند و در منابع آن دوره از آنها با نام «امرای غربا» (امرای که منشأ خارجی داشتند) یاد شده است. دسته دوم امرای محلی و بومی بودند که از غیاث‌الدین طرفداری می‌کردند. واگذاری بهترین و سودآورترین اقطاعات به امرای خوارزمی از طرف علاءالدین کی‌قباد، از این جهت که جای طبقه حکام غالب را طبقه دیگری می‌گرفت، اهمیت بسیار داشت.

دگرگونی مهم دیگری نیز در این زمان رخ داد و آن، تبدیل اقطاعات نظامی به اراضی ملکی از طریق وقف بود. با درگذشت صاحبان اقطاع فقط اقطاعات اولیه او به فرزندان او می‌رسید و اقطاعات دیگری که از راه موفقیت‌های نظامی به دست آورده بود به دیگران واگذار می‌شد. از طرف دیگر، حفظ اقطاع ضمانت نداشت، زیرا سلطان می‌توانست هر موقع خواست اقطاع را از کسی بگیرد و به شخص دیگری که

موفقیت‌های بسیار به دست آورده است و اگذار کند. لذا صاحبان اقطاع درآمد اقطاعشان را وقف می‌کردند و خودشان به عنوان متولی وقف، هم آینده خود و هم آینده فرزندان‌شان را تضمین می‌کردند؛ اما تصرفات سیاسی کی قباد همه اقطاعات را به خطر می‌انداخت (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۱۹۲).

آناتولی در نیمه اول قرن نهم در معرض تجزیه و تقسیم‌بندی قرار داشت. تضعیف بر اثر نظام اقطاعات، و رقابت‌های بین حکام طبقه غالب، به طور خاص بر قبایل روستایی تأثیر گذاشته بود و با تضعیف قدرت دولت مرکزی تعادل بین طبقات به وضع اصلاح‌ناپذیری درآمده بود.

۱.۱. مسئله کوچ‌نشینان و یکجانشینان

مسئله دیگر، مسئله ترکمانان کوچ‌نشین بود. هرچند ترکمانان کوچ‌نشین با حفظ اصل و نسب و سنت‌های قبلی‌شان به حالت نیمه‌کوچ‌نشین زندگی می‌کردند، اما چون مرتع‌داری را رها نکرده بودند با یکجانشینان درگیری پیدا می‌کردند. گله‌های‌شان در رفت و آمد بین بیلاق و قشلاق به مزارع زراعی آسیب فراوان وارد می‌کرد. از این‌رو این دو طرف (یکجانشینان و کوچ‌نشینان) مدام با هم درگیر می‌شدند و دولت ناگزیر از مداخله می‌شد. گاهی هم بین خود قبایل ترکمن بر سر تصاحب بیلاق، قشلاق و مرتع اختلافاتی در می‌گرفت و اگر به تمام این مشکلات، غارتی که ترکمن‌ها گاه در شهرها، قصبات و دهات سر راه خود انجام می‌دادند افزوده شود، ماهیت درگیری این دو گروه یکجانشین و کوچ‌نشین به‌خوبی روشن می‌شود. آنها این غارت‌ها را برای تأمین برخی از نیازهای‌شان انجام می‌دادند. در این میان از حمله به کاروان‌ها نیز غافل نمی‌ماندند و دخالت گاه‌به‌گاه حکومت برای جلوگیری از این غارت‌ها باعث درگیری ترکمن‌ها و دولت می‌شد (Köprülü, 1988: 94).

در اینجا بررسی وضعیت گروه‌های درگیر ضروری به نظر می‌رسد. هرچند اطلاعات چندانی در دست نداریم، همه منابع موجود از دوره سلطنت کی قباد به نام دوره رفاه یاد می‌کنند.^۲ در این دوره قبایل روستایی و رعایا، چندان تحت ظلم و ستم و سرکوب قرار

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آنتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۵۷

نگرفتند. اهمیت قائل شدن سلطان کی قباد به عنصر ترکمن باعث تبدیل گروه و جماعات ترکمن به طبقه‌ای مهم و باارزش شده بود. بی‌تردید این واقعیت برای عشیره‌های کوچ‌نشین نیمه‌مستقل و امرای سرحدات تغییر مهمی به حساب نمی‌آمد؛ اما از نظر حکومتی برای ولایت‌های مرتبط به دیوان چنین نبود. همچنین، واگذاری اقطاعات پُرسود و اقطاعاتی که بر سر راه کاروان‌های تجارتهی قرار داشتند به بیگ‌ها و امرای خارجی، چون باعث تغییر قدرت اقتصادی می‌شد بر منابع قدرت مادی تا حد بسیار تأثیر می‌گذاشت.

امرای خارجی که بیشتر در غلام‌خانه‌ها تربیت می‌شدند، قدرتشان را از ثروشان می‌گرفتند. آنها دارای اصل و نسب باارزشی نبودند، لذا ارزش و احترام خود را از طریق قدرت اقتصادی کسب می‌کردند؛ اما داشتن اقطاع هم برای کسب ارزش و احترام کافی نبود. در پروتکل و سنت سلجوقیان، امرای بومی بعد از شاهزاده‌ها و بیگ‌های ترکمن قرار داشتند، در حالی که مالکیت اقطاع، چه در مفهوم اقتصادی و چه در مفهوم سیاسی، به منزله در دست گرفتن قدرت اصلی بود. کسب ثروت و تبدیل شدن به قدرت غالب فقط با دست‌یافتن به دیگر عرصه‌های اقتصادی ممکن بود. بیگ‌ها و امرای مرتبط با کی قباد هرچند قدرت داشتند ولی قدرت اصلی به واسطه قدرت اقتصادی در دست امرای طرف مقابل بود.

وقتی حوادث رخ داده را بررسی می‌کنیم صحت ادعای فوق تأیید می‌شود. هرچند اطلاعاتمان محدود است اما می‌دانیم که کاروانسراها منبع بسیار مهمی برای کسب درآمد بود. در کاروانسراها هم از مهمانداری پول دریافت می‌کردند و هم در مقابل انبارکردن اموال اجرت می‌گرفتند و هنگامی که کاروانسراها وقف شد، این درآمد به واسطه وقف، به جیب سازنده کاروانسرا می‌رفت. از این طریق، هم تجارت و هم بازارها که به تجارت وابسته بودند، کنترل‌پذیر می‌شدند. به این ترتیب تفاوت اجتماعی که در اثر وضعیت اقتصادی در شهرها به وجود آمده بود مشهود بود. این نابرابری اجتماعی در مناقب العارفین احمد افلاکی تصویر شده است (نک.: افلاکی، ۱۳۶۲: ۲۶۷).

یکی دیگر از راه‌های کسب ثروت دامداری بود. چراگاه‌های وسیع در تصرف رجال دولتی صاحبان اقطاع بود و در این چراگاه‌ها گله‌های گوسفند پرورش داده می‌شد. درگیری‌هایی که بین کوچ‌نشین‌ها و یکجانشین‌ها روی می‌داد اساساً چیزی جز رقابت اقتصادی بین رجال دولتی و ترکمان‌ها بر سر مراتع نبود. در زمانی که قیام باباییان روی داد:

الف. تقسیم درآمد حاصله از اقطاعات باعث به وجود آمدن طبقه‌ای شد که تولیدکننده نبود، به سلطان وابسته بود، قدرت اصلی را در دست داشت، از لحاظ سیاسی حاکم و از لحاظ اقتصادی غالب بود.

ب. این طبقه علاوه بر اینکه از درآمدهایی که از راه‌های تجاری به دست می‌آمد بهره می‌برد، به واسطه باغداری در شهرها و دامداری در مناطق روستایی از لحاظ اقتصادی کاملاً قدرتمند شده بود.

ج. در اثر تضعیف نظام اقطاع و تبدیل اراضی وقفی قدرت نظامی دولت تضعیف شده بود.

د. قدرت‌یابی این طبقه به ضرر رعایای مرتبط با دیوان و گروه‌های ترکمان کوچ‌نشین، مخصوصاً ترکمانان کوچ‌نشین ساکن جنوب شرقی آناتولی، بود. زیرا در ولایت‌هایی که به دیوان مرتبط بود با اتکا به راه‌های تجاری، توسعه شهرنشینی فراخی و راحتی نسبی به وجود آورده بود. راحتی حاصل از یکجانشینی و امنیت حاصل از سازمان‌دهی را نیز می‌توان به آن افزود.

ترکمانان جنوب شرقی آناتولی مشکل محدودیت و کمبود چراگاه داشتند. دامداری دیگر منبع درآمد به حساب نمی‌آمد. چون دولت دیگر حالت فاتحانه‌اش را از دست داده بود، کسب غنیمت دیگر منبع درآمد نبود. بیلیک‌ها (امیرنشین‌ها) و ولایت‌های غربی نیز برای گرفتارنشدن به چنین اوضاعی به حملات و فتوحاتشان ادامه می‌دادند.

افزودن دو عامل به عوامل قبل بی‌ربط نخواهد بود:

۱. در اثر افزایش حملات سرکوب‌گرایانه مغولان، اکثر ترکمانانی که به غرب سرازیر می‌شدند در جنوب شرقی آناتولی جمع شده بودند. مخصوصاً در اوایل قرن نهم این

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آنتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۵۹

کوچ‌ها افزایش یافته و ترکمانان از راه عراق و سوریه به آنتولی پناه می‌بردند. هرچند امروزه نمی‌توانیم ارقام صحیحی در این باره ذکر کنیم ولی تمامی منابع از افزایش جمعیت آنتولی در این دوره، مخصوصاً بعد از استیلای مغولان و افزایش تعداد و تواتر این کوچ‌ها و رسیدن آنتولی به حد اشباع سخن به میان می‌آورند (Barkan, 1942: 298; Turan, 1971: 90-91). اهمیت فائل‌شدن علاءالدین کی قباد به عنصر ترکمن و دنبال کردن هدف وحدت سیاسی هم‌زمان با فتح سوریه از این زاویه مهم است. ولی با مسموم شدن و درگذشت سلطان وضعیت تغییر کرد. چنان‌که در بالا به آن اشاره شد ترکمن‌های کوچ‌نشین به دلیل افزایش جمعیت بی‌رویه از لحاظ اقتصادی و جنبه‌های مختلف مرتبط با اقتصاد دچار پریشانی شدند.

۲. از منابع چنین فهمیده می‌شود که سعدالدین کوچک برای افزایش قدرت سیاسی خود و نیز کسب احترام، سمیسات را فتح کرد و با قدرت‌گیری از این پیروزی کمال‌الدین کامیار را کشت. اگر این مطلب واقعیت داشته باشد هدف اصلی را می‌توان کودتای نظامی علیه ترکمانان کوچ‌نشین مطرح کرد.

بدین ترتیب زمینه اقتصادی لازم برای شروع قیام در آنتولی در قرن هفتم کاملاً به وجود آمده بود و برای شروع نیاز به جرقه داشت. همچنین، نقطه شروع قیام هم به‌خوبی انتخاب شده بود. اینکه چرا قیام شکل دینی به خود گرفت و در شکل تناقض و تضادهای اقتصادی ادامه یافت فقط زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که در مقابل این اساس مادی قرار می‌گیرد.

۱.۲. بررسی ساختار اجتماعی دولت سلاجقه روم

مهم‌ترین عامل اجتماعی که زمینه را برای قیام مساعدتر کرد اختلاف شیوه زندگی ترکمانان یکجانشین با کوچ‌نشین بود. یکجانشین‌ها، کوچ‌نشین‌ها را به گردن‌کلفتی، خشونت و بی‌درکی، و کوچ‌نشین‌ها نیز یکجانشین‌ها را به تنبلی و ساده‌لوحی متهم می‌کردند (آقسرایبی، ۱۳۶۳: ۷۱؛ Sumer, 1967: 41). از طرفی هم حکومت سلجوقی برای اداره دولت به عناصر ترک پشت کرده بود و بیشتر از ایرانی‌ها استفاده می‌کرد. ایرانیان

نیز که مسئولیت‌های مهم دولتی را تصاحب کرده بودند با ترکمن‌ها رفتار خوبی نداشتند.^۳

چنین به نظر می‌رسد که ترکمن‌ها، که قدرت اصلی جمعیتی دولت بودند، خودشان را در وطن خودشان «هم‌وطن ناخواسته» (Ocak, 1996: 42) حس می‌کردند و نمی‌توانستند چنین وضعیتی را تحمل کنند. این دید تحقیرآمیز و این تناقض اجتماعی راجع به ترکمن‌ها، در قیام ترکمن‌ها علیه دولت یکی از مهم‌ترین عوامل بود. در حکومت سلجوقیان بزرگ در قرن ششم هجری نیز آغوزها با مشاهده تسلط ایرانیان بر حکومت، علیه سلطان سنجر قیام مشابهی انجام داده بودند. آغوزها علی‌رغم اینکه در تشکیل دولت سلجوقی نقش اساسی داشتند، وقتی دیدند در مدیریت دولت نقشی ندارند و در جایگاه رعیت مالیات سنگینی از آنها گرفته می‌شود بسیار ناراحت شدند و قیام کردند. آغوزهای ترکمن در این قیام سنجر را به اسارت گرفتند و شهرها و قصبه‌های سر راهشان را غارت کردند. سنجر پس از دو سال درگذشت و دولت سلجوقی رو به ضعف نهاد و نهایتاً به دست خوارزم‌شاهیان از بین رفت (Kafesoglu, 1956: 44-46).

در مقایسه این عصیان با عصیان بابایی‌ها تشابهات فراوانی به چشم می‌خورد. هر دو عصیان در اثر بی‌توجهی اقتصادی دولت به عناصر ترکمن در مقابل عناصر ایرانی به وقوع پیوست. همان‌طور که عصیان ترکان آغوز باعث تضعیف سلجوقیان و نابودیشان به دست خوارزم‌شاهیان شد، عصیان بابایی‌ها نیز باعث تضعیف حکومت سلجوقیان آناتولی و مجبور شدن آنها به پذیرش حاکمیت مغول‌ها شد. چون سلجوقیان آناتولی نتوانستند با سازمان‌دادن ترکمن‌ها از آنها علیه مغولان استفاده کنند، ترکمن‌ها از سویی با مغولان می‌جنگیدند و از طرف دیگر با حکام سلجوقی مبارزه می‌کردند. بی‌تردید در این مسئله نیز کدورت میان ترکمن‌ها و دولت سلجوقی نقش مهمی داشت.

از دیگر عوامل اجتماعی مهم که زمینه را برای قیام باباییان فراهم کرد، فشارهای دولت سلجوقی بر ترکمن‌ها بود که در زمان غیاث‌الدین کیخسرو دوم تشدید شد. غیاث‌الدین کیخسرو دوم پادشاهی عشرت‌طلب بود. او با کنارکشیدن از تمامی مسئولیت‌های حکومتی، اداره مملکت را به وزیرش سعدالدین کوپک واگذار کرد. او به

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آنتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۶۱

توصیه سعدالدین کوپک با شقاوت تمام بسیاری از وزرا و بزرگان دربار را به قتل رساند. سعدالدین کوپک و اطرافیانش مملکت را مطابق منافع سیاسی خود اداره، و مشاغل دولتی را در مقابل اخذ رشوه واگذار می‌کردند (نک: ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۱۲۳). تحصیل داران مالیاتی، مردم را زیر فشار مالیات سنگین خرد می‌کردند. بنابراین، خیلی زود نابسامانی‌ها خود را نشان داد. این وضع در زندگی ترکمن‌ها نیز همانند سایر اقوام آنتولی مشکلاتی به وجود آورد، ولی زندگی خاص ترکمن‌ها و کمبود مراتع باعث شد این مشکلات در میانشان دوچندان شود. علاوه بر آن، فشارهای مأموران مالیاتی، سنگینی مالیات‌ها و وضع نابسامان اقتصادی، ادامه زندگی را برایشان غیرممکن کرد. این مسائل خواه‌ناخواه آنها را برای تأمین معاش به سوی غارت و چپاول سوق داد، به طوری که این وضع از آغاز قیام به بعد با غارت‌های شدید نمود یافت. تمام عواملی که باعث قیام باباییان شد، مانند عوامل اقتصادی، جمعیتی، اجتماعی و روانی که به آنها پرداخته شد، در اصل نتیجه و علت یکدیگر بودند و از هم تفکیک‌پذیر نیستند.

۲. عوامل تسریع‌کننده قیام باباییان

۲.۱. عوامل دینی

یکی از تفاوت‌های مهم بین ترکمانان یکجانشین با کوچ‌نشین تفاوت در اعتقادات دینی یا به عبارت ساده‌تر تفاوت فهم آنها از اسلام بود. وقتی اسلام در قرن نهم و دهم در آسیای میانه در بین قبایل مختلف ترکمن راه یافت، با توجه به نوع زندگی ترکان با دو گونه واکنش مواجه شد. ترکانی که در شهرها زندگی یکجانشینی داشتند به دلیل برخورداری از مدارس که در آن تعلیمات دینی را می‌آموختند بیشتر به اسلامی که تحت حمایت دولت بود، یعنی اسلام تسنن، گرویدند، ولی ترکانی که زندگی کوچ‌نشینی داشتند به دلیل محروم‌بودن از چنین امکاناتی و نیز چون به دلیل نوع زندگی‌شان اجرای کامل احکام اسلامی مانند وضوگرفتن، پنج وعده نماز خواندن در روز، روزه‌گرفتن و ... برایشان مقدور نبود و به دلیل بی‌سوادی توان فهم مفاهیم ظریف

اسلامی را هم نداشتند، اسلام صوفیانه ساده توأم با خرافاتی را پذیرفتند که ابتدا ایرانیان و سپس باباهای ترکمن به آنها عرضه کردند (Ocak, 1996: 45).

گرچه اسلام تسنن شرکت زنان در مجالس مردان را ممنوع کرده بود، ولی ترکان کوچ‌نشین به دلیل نوع فعالیت‌هایشان که همیشه زن و مرد در کنار هم بودند، تحت تأثیر باباهای ترکمن در مراسم دینی‌شان نیز همراه با زنان شرکت می‌کردند و مراسم دینی‌شان را همانند دین گذشته خود (دین شمنی) همراه با موسیقی و رقص (سماع) انجام می‌دادند. این نوع اسلام که هتردوکس می‌نامیم، همراه با کوچ ترکمانان از قرن نهم به آناتولی راه یافت و حول محور برخی باباهای ترکمن صوفی محبوب متمرکز شد.

بسیاری از قبایل ترکمن ساکن در آناتولی پای‌بند معتقدات و احکام اسلامی نبودند و بنا به نقل مورخان دوره سلجوقی گروهی ملحد بودند که عقاید مزدک را دنبال می‌کردند و به آزادی روابط جنسی زن و مرد معتقد بودند (اوجاق و بایرام، ۱۳۷۶: ۵۸-۵۷، به نقل از: الولد الشفیق). باورهای بدعت‌گذارانه فقط منحصر به قبایل ترکمن نبود، بلکه بعضی اهالی قصبه‌ها، روستاها و حتی اهالی شهرنشین هم چنین اعتقاداتی داشتند و به قواعد و اصول دینی بی‌اعتنا بودند. زکریا محمد قزوینی درباره مردم شهر سیواس می‌نویسد: «در شهر سیواس، که بیشتر مردم آن از ترکمن‌ها هستند، مساجد عموماً خالی هستند و مردم سرگرم تجارت شده و نسبت به اصول دین سستی نشان می‌دهند و در شراب‌خواری نیز مانعی نمی‌بینند» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۰۸).

از عوامل دیگری که زمینه را برای قیام باباییان فراهم کرد، وجود تبلیغات اسماعیلی (باطنی) در میان ترکمانان بود. هرچند این تبلیغات در بین تمامی ترکمانان وجود نداشت، ولی ترکمانان جنوب شرقی آناتولی و شمال سوریه در معرض این تبلیغات قرار داشتند. مخصوصاً شمال سوریه که یکی از مناطقی بود که قیام بابا الیاس از آنجا پا گرفت، تقریباً به مدت یک قرن بود که برای اسماعیلیان منطقه‌ای بسیار مناسب برای تبلیغات به حساب می‌آمد. در این منطقه که قبایل ترکمن همراه با گله‌هایشان در آنجا آمد و شد می‌کردند، قلاع اسماعیلی فراوان وجود داشت که نقش مهمی در تبلیغات اسماعیلی داشت. از قرن هفتم تا نهم ترکمن‌ها تحت تأثیر این تبلیغات قرار داشتند و

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آناتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۶۳

حتی اینکه برخی داعیان ترکمن در قلعه‌هایشان تربیت و آموزش می‌دیدند دور از ذهن نیست. همچنین، باید نقش داعیانی را که از حملات مغولان گریختند و در شمال سوریه و جنوب آناتولی به تبلیغات اسماعیلیه پرداختند (کاهن، در: *دانش‌نامه جهان اسلام*، ذیل «بابا اسحاق») به این جریان افزود.

در چنین وضعیتی در قرن نهم با فعالیت طریقت‌های صوفیانه در آناتولی برخی از درویشان و شیوخ که به این طریقت‌ها منتسب بودند و در اصل داعیان اسماعیلی بودند، در بین ترکمن‌هایی که بهار را در سوریه و زمستان را در بیلاق‌های آناتولی مرکزی می‌گذراندند، تصوفی را که از اسماعیلیه مایه و نشئت گرفته بود، تبلیغ می‌کردند. از این رو انتشار اعتقاد به ظهور ناجی از جانب خدا (مهدی آخرالزمان) که بیشتر به عقاید شیعی شبیه بود، از طرف بابا الیاس در بین ترکمن‌ها خیلی راحت بود. به هر حال، می‌توان گفت افکار بابا الیاس از لحاظ دینی برای ترکمانان بیگانه نبود و آنها با اشتیاق پذیرفتند (Ocak, 1996: 48).

این مناطق برای تبلیغات باباییان ترکمن به منظور قیام کاملاً مساعد بود و مبلغان بابا الیاس به راحتی اشخاص مناسب متعددی برای قیام یافتند. بنابراین، با اشاعه تبلیغات بابا الیاس با سرعت بسیار در بین ترکمانان، عوامل دینی نیز به اندازه عوامل اقتصادی و اجتماعی، در قیام نقش ایفا کرد.

۲.۲. زمینه سیاسی مناسب برای قیام

از عوامل سیاسی که زمینه را برای قیام بابا الیاس مساعدتر کرد می‌توان به نارضایتی دولت مردان و مردم از سلطان غیاث‌الدین کیخسرو دوم به سبب اداره نادرست مملکت و تحریکات داخلی و خارجی اشاره کرد. احتمالاً دولت مردان ناراضی از دولت با مشاهده نارضایتی ترکمانان مخفیانه آنها را برای قیام علیه سلطان تحریک می‌کردند. این افراد با اطلاع از آمادگی و تصمیم بابا الیاس و سایر امرای ترکمن برای قیام، پنهانی با آنها تباری کرده بودند (همان: ۴۹). تحریکات داخلی و خارجی نیز زمینه را برای قیام مساعد کرد، از جمله تحریکات ترکان خوارزم که در آناتولی و شمال سوریه مشغول

غارث و یغماگری بودند. بنا به نقل ابن‌بی‌بی، گروهی از خوارزمیان که منسوب به ترکان قنقلی و قبچاق بودند پس از سقوط دولت خوارزم‌شاهیان به آناتولی و خدمت علاءالدین کی‌قباد اول پناه بردند. علاءالدین کی‌قباد نیز آنها را در آناتولی مرکزی اسکان داد (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۱۹۱-۱۹۲) و آنها نیز به سلطان وفادار بودند، ولی بعد از درگذشت کی‌قباد و به سلطنت رسیدن غیاث‌الدین کیخسرو اوضاع تغییر کرد.

چون خوارزمیان از جانشینی عزالدین قلیچ ارسلان حمایت می‌کردند، غیاث‌الدین کیخسرو پس از رسیدن به سلطنت تحت تأثیر برخی از اطرافیانش، فرمانده آنان غایرخان را دستگیر و زندانی کرد. غایرخان در زندان درگذشت. این حادثه و فشارهای دیگر باعث شورش ترکان خوارزمی شد. ترکان خوارزمی پس از شورش به سمت جنوب شرقی آناتولی رفتند و تمامی دهات و شهرهای سر راهشان را غارت کردند. در این میان، نیرویی حدود هفتاد هزار از ترکمن‌ها نیز به آنها پیوستند و نواحی اورفا، حران و سوروج را غارت کردند (همان: ۱۹۴). هم‌زمان با این حادثه قیام بابا الیاس آغاز شد. هم‌زمانی قیام بابا الیاس و شورش ترکان خوارزمی احتمال اتحاد بابا الیاس با نیروهای خوارزمی را تقویت می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که نامی‌های ایجادشده از طرف ترکان خوارزمی در جنوب شرقی آناتولی، سبب تشویق بابا الیاس برای قیام شد. حتی تماس و توافق و سازش وی با خوارزمیان نیز دور از احتمال نیست.

درباره تحریکات خارجی می‌توان به تحریکات ایوبیان و مغولان اشاره کرد. جنوب شرقی آناتولی و شمال سوریه از قرن هشتم به بعد محل مناقشه ایوبیان و سلجوقیان آناتولی بود. چون این منطقه از لحاظ اقتصادی موقعیت خوبی داشت هر دو طرف در تصاحب آن می‌کوشیدند. این رقابت در زمان عزالدین کیکاووس شدت بیشتری گرفت. این مناطق تا زمان غیاث‌الدین کیخسرو دوم میان سلجوقیان و ایوبیان دست به دست می‌شد. علاءالدین کی‌قباد اول در سال ۱۲۳۴ میلادی این مناطق را از ملک کامل ایوبی پس گرفت و ایوبیان را بیرون راند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۳۲-۱۳۵؛ Turan, 1971: 379-383). پس از مرگ کی‌قباد و در زمان غیاث‌الدین کیخسرو دوم به اتفاق ملک الناصر زنگی، اتحادی علیه ملک کامل ایوبی شکل دادند. ولی چون ملک الناصر از اراضی به‌دست‌آمده

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آناتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۶۵

عقب‌نشینی نکرد، آماده نبرد با سلطان سلجوقی شد؛ اما مرگ او در سال ۶۳۵ ه.ق. باعث شد جنگی بینشان رخ ندهد (مشکور، ۱۳۵۰: ۹۹). ولی جانشینانش مدام در فکر بازپس‌گیری این مناطق بودند. قیام بابا الیاس یک سال پس از نبرد ناتمام سلطان سلجوقی با سلطان ایوبی، احتمال دست‌داشتن ایوبیان در این قیام را تقویت می‌کند. زیرا ایوبیان می‌توانستند برای بازپس‌گیری اراضی آناتولی شرقی از قیام بابا الیاس بهره ببرند. مغولان نیز که در پی اشغال آناتولی بودند، می‌توانستند از قیام بابا الیاس برای رسیدن به هدف خود استفاده کنند (Köprülü, 1925: 135). لذا احتمال تحریکات مغول نیز دور از ذهن نیست.

هرچند قیام بابا الیاس بر اثر مسائل اقتصادی اجتماعی صورت گرفت ولی علاوه بر آن عوامل دیگری مانند عوامل دینی، بعضی تحریکات داخلی و خارجی، تلاش ترکمن‌ها برای نجات از مشکلات زندگی و تغییر شیوه زندگی، و به دست آوردن اقتدار سیاسی حکومت نیز در شکل‌گیری قیام سهم داشت.

نتیجه

با بررسی اوضاع منطقه مقارن وقوع قیام باباییان می‌توان دریافت که در وقوع این قیام عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی دخیل بود؛ اما در جواب این پرسش که این معضلات چگونه به وجود آمده بود می‌توان گفت ترکان مسلمان برخی از این معضلات را قبل از مهاجرت از ماوراءالنهر به آناتولی همراه خود داشتند. برخی از معضلات نیز زاییده نحوه اسکان ترکان در آناتولی و برخی نیز منبعت از سیاست‌های حکومتی دولت سلجوقیان آناتولی بود. گرچه عوامل مختلف در وقوع قیام نقش داشت، با بررسی میزان نقش هر کدام از این عوامل به این نتیجه دست یافتیم که عامل اقتصادی عامل اصلی وقوع این قیام بوده و عوامل دیگر نقش تسریع‌کننده داشته است. عامل دینی غیر از نقش تسریع‌بخشی نقش مشروعیت‌بخشی به قیام را نیز داشته است. در اثبات اینکه عامل اقتصادی عامل اصلی قیام است می‌توان چند دلیل آورد: دلیل اول انتخاب منطقه وقوع قیام است. این قیام در منطقه آدی‌یامان و مرعش به وقوع پیوست.

ساکنان این منطقه در قیاس با مناطق دیگر از ثروت‌های عمومی و دولتی برخوردار کمتری داشتند. لذا به راحتی به رهبری که به آنها وعده رفاه و فراوانی نعمت می‌داد، ملحق شدند. دلیل دوم شعارها و وعده‌های رهبر قیام و خلفایش بود که برای همراه کردن مردم با قیام می‌دادند. رهبر قیام بیش از آنکه به مردم وعده برقراری عدالت و مساوات بدهد، وعده‌های اقتصادی می‌داد. او به انتشار خبر تقسیم غنائم بلافاصله پس از پیروزی، دقت و توجه بسیار نشان داده بود.

بابا الیاس برای مشروعیت بخشیدن به قیام خود، قیامش را قیامی دینی جلوه داد و خود را به عنوان پیامبر و ناجی مطرح کرد. همچنین، ادعا کرد که سلطنت از جانب فرشتگان به او پیشنهاد شده است. البته نمی‌توان گفت عامل دینی صرفاً عاملی ظاهری برای رسیدن به هدف اصلی، یعنی سیاسی و اقتصادی، بود ولی به جرئت می‌توان گفت علت اصلی قیام دینی و مذهبی نبود. باید توجه داشت که این قیام در اصل حرکتی بر ضد حکومت مرکزی بود و در واقع حرکتی اجتماعی با اهداف سیاسی بود و هرگز جنگی مذهبی علیه اسلام سنی نبود. روشن‌ترین دلیل این است که هدف عصیان فقط و فقط حکومت سلجوقیان بوده است، نه مردم مسلمان سنی.

از لحاظ اجتماعی نیز می‌توان گفت قیام بابایی، برخلاف آنچه برخی از مورخان (معمولاً مورخان مارکسیست) اعلام کرده‌اند، قیامی دهقانی نبود. زیرا ترکمانان کوچ‌نشین این قیام را آغاز کرده بودند و گروه‌های روستایی نه به عنوان عنصر اصلی، بلکه به عنوان عنصر درجه دوم در قیام شرکت داشتند.

کلام آخر اینکه، هرچند قیام باباییان به هدف خود نرسید و بعد از به دست آوردن پیروزی‌های چشمگیر اولیه سرکوب شد ولی این قیام ساختار اجتماعی آناتولی را متزلزل کرد و باعث به وجود آمدن بحران‌های عمیق سیاسی و اداری در دولت سلجوقیان شد. همچنین، این قیام باعث آشکار شدن ضعف‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مهم‌تر از همه ضعف نظامی سلجوقیان آناتولی شد. ناتوانی سلجوقیان در مدیریت این بحران‌ها باعث تشدید ضعف آنها و در نهایت منجر به شکستشان در برابر مغولان در نبرد کوسه داغ (۶۴۱ ه.ق.) و پایان یافتن عمر دولتشان گردید.

پی‌نوشت‌ها

۱. دین قبلی ترکان شمنی بود و چون در اثر تبلیغات شیوخ صوفی و داعیان علوی به اسلام گرویده بودند، اسلامشان التقاطی از باورهای مختلف بود.
۲. خواندمیر دوره نسبتاً طولانی علاءالدین کی قباد را خلاصه آن خاندان و نقاوه آن دودمان می‌داند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۴۰/۲)؛ و ابن‌بی‌بی درباره علاءالدین کی قباد می‌گوید: «در جمله صناعات از عمارت و صنعت و سکاکی و نجاری و رسامی و سراجی مهارت و حذاقت بی‌نهایت یافته بود» (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۹۴).
۳. در منابع آن دوره به اسامی ایرانی فراوانی برمی‌خوریم که مشاغل مهم دولتی را در دست داشتند (نک: آقسرایبی، ۱۳۶۳: ۹۰).

منابع

- آقسرائی (۱۳۶۳). *مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار*، به اهتمام: عثمان توران، تهران: اساطیر.
- ابن‌بی‌بی (۱۳۵۰). *سلجوق‌نامه*، به اهتمام: محمدجواد مشکور، تهران: کتاب‌فروشی تهران.
- افلاکی، احمد (۱۳۶۲). *مناقب العارفين*، به کوشش: تحسین یازیجی، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ مغول*، تهران: امیرکبیر.
- اوجاق، احمد یاشار (۱۳۸۵). «از عصیان باباییان تا قزلباشگری؛ نگاهی به تاریخ و رشد علویان در آناتولی»، ترجمه: شهاب ولی، در: *تاریخ اسلام*، ش ۲۷، ص ۱۵۹-۱۸۲.
- اوجاق، یاشار؛ بایرام، میکائیل (۱۳۷۶). *جنبش‌های عرفانی سیاسی در زمان سلجوقیان*، ترجمه: محمدتقی امامی خویی، تهران: گواه.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین الحسینی (۱۳۸۰). *حبيب السیر*، مقدمه: جلال‌الدین همایی، زیر نظر: محمد دبیرسیاقی، تهران: اساطیر، ج ۲.
- دانش‌نامه جهان اسلام* (۱۳۷۵). زیر نظر: سید مصطفی میرسلیم، تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*، تهران: امیرکبیر.
- مخبر دزفولی، فهیمه (۱۳۸۹). *پیدایش طریقت علوی بکتاشی در آناتولی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۰). *اخبار سلاجقه روم*، تهران: کتاب‌فروشی تهران.
- Akdag, Mustafa (1974). *Türkiyenin İktisadi, ve İctimai Tarihi*, c. 1.
- Barkan, Ömer Lütfü (1942). "Kolonizator Türk Dervişleri", *Vakıflar Dergisi*, II.
- Cahen, Claude (1970). *Osmanlılardan Önce Anadolu'da Türkler*, Çev. Yıldız Moran, İstanbul.
- Celebi, Elvan (1995). *Menakibul- kutsiyye*, Ankara.
- Kafesoğlu, İbrahim (1956). *Harezmsahlılar Devleti Tarihi*, Ankara, TTK; yay.
- Köprülü, Fuad (1988). *Osmanlı Devletinin Kuruluşu*, Ankara.
- Köprülü, Mehmet Fuad (1922). "Anadoluda; İslamiyet", *farul – funun Edebiyat, Fakultesi Mecmasi*.
- Köprülü, Mehmet Fuad (1925). "Bektaşlığın Menşeleri", *TY*. III.
- Ocak, Ahmet Yaşar (1996). *Babailer İsyanı*, İstanbul.

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آنتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۶۹

Özkirimli, Atila (1998). *Alevilik Bektaşilik*, Istanbul.

Sumer, Faruk (1967). *Oğuzlar (Türkmenler)*, Ankara.

Turan, Osman (1971). *Selçuklar Zamanında Türkiye*, Turan Neşriyat Yurdu, Istanbul.

Turan, Osman (1993). *Selçuklular ve İslamiyet*, İstanbul.

References

- Aflaki, Ahmad. 1983. *Managheb al-Arefin (Virtues of Mystics)*, Prepared by Tahsin Yaziji, Tehran: World of Book, Second Edition. [in Arabic]
- Aghsarayi. 1984. *Mosamarah al-Akhbar wa Mosayarah al-Akhyar*, Prepared by Othman Turan, Tehran: Asatir. [in Arabic]
- Akdag, Mustafa. 1974. *Türkiyenin İktisadi*, ve İctimai Tarihi, c. 1.
- Barkan, Ömer Lütfü. 1942. "Kolonizator Türk Dervişleri", Vakıflar Dergisi, II.
- Cahen, Claude. 1970. *Osmanlılardan Önce Anadolu'da Türkler*, Çev. Yıldız Moran, İstanbul.
- Celebi, Elvan. 1995. *Menakibul – kutsiyye*, Ankara.
- Eghbal Ashtiyani, Abbas. 2005. *Tarikh Moghol (Mongol History)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Ghazwini, Zakariya ibn Mohammad. 1994. *Athar al-Belad wa Akhbar al-Ebad (Antiquities of Countries and News of People)*, Tehran: Amirkabir. [in Arabic]
- Ibn Bibi. 1971. *Saljughnameh (History of the Seljuks)*, Prepared by Mohammad Jawad Mashkur, Tehran: Tehran Bookstore. [in Farsi]
- Islamic World Encyclopedia. 1996. Supervised by Seyyed Mostafa Mir Salim, Tehran: Great Islamic Encyclopaedia Foundation, vol. 1. [in Farsi]
- Kafesoğlu, Ibrahim. 1956. *Harezmsahlr Devleti Tarihi*, Ankara, TTK; yay.
- Kandemir, Ghiyath al-Din ibn Homam al-Din al-Hosayni. 2001. *Habib al-Seyr*, Foreworded by Jalal al-Din Homayi, Supervised by Mohammad Dabir Siyaghi, Tehran: Asatir, vol. 2. [in Arabic]
- Köprülü, Fuad. 1988. *Osmanlı Devletinin Kuruluşu*, Ankara.
- Köprülü, Mehmet Fuad. 1922. "Anadoluda; İslamiyet", farul – funun Edebiyat, Fakültesi Mecmasi.
- Köprülü, Mehmet Fuad. 1925. "Bektaşlığın Menşeleri", TY. III.
- Mashkur, Mohammad Jawad. 1971. *Akhbar Salajegheh Rum (News of Seljuk Rome)*, Tehran: Tehran Bookstore. [in Farsi]
- Mokhber Dezfuli, Fahimeh. 2010. *Peydayesh Tarighat Alawi Bektashi dar Anatoli (The Emergence of Alawite Bektashi in Anatolia)*, Tehran: Scientific & Cultural. [in Farsi]

ریشه‌یابی علل وقوع قیام باباییان در آناتولی (۶۳۷ ه.ق.) / ۱۷۱

Ocak, Ahmet Yaşar. 1996. *Babailer İsyanı*, İstanbul.

Özkirimli, Atila. 1998. *Alevilik Bektaşilik*, İstanbul.

Sumer, Faruk. 1967. *Oğuzlar (Türkmenler)*, Ankara.

Turan, Osman. 1971. *Selçuklar Zamanında Türkiye*, Turan Neşriyat Yurdu, İstanbul.

Turan, Osman. 1993. *Selçuklular ve İslamiyet*, İstanbul.

Ujagh, Ahmad Yashar. 2006. "Az Osyan Babaian ta Ghezelbashgari; Negahi be Tarikh wa Roshd alawiyān dar Anatoli (From the Rebellion of Babaian to Ghezelbashgari; A Look at the History and Growth of Alawis in Anatolia)", Translated by Shahab Wali, in: *History of Islam*, no. 27, pp. 159-182. [in Farsi]

Ujagh, Yashar; Bayram, Mikail. 1997. *Jonbesh-hay Erfani Siyasi dar Zaman Saljughiyān (Mystical and Political Movements during the Seljuk Period)*, Translated by Mohammad Taghi Imami Khoyi, Tehran: Gowah. [in Farsi]